



مسالہ زنان مسالہ کارگران است

آبان ۱۴۰۱

توضیح

این نوشته برای اولین بار در شماره دوم نشریه "کارگر کمونیست" ارگان اتحاد مبارزان کمونیست و با امضاء فسرو داور منتشر شده است. عناوین نوشته از طرف ما است.

عناوین

آپارتاید جنسی علیه زنان

زنان و مجاب

اسلام و بی حقوقی زن

اسلام واقعی و غیرواقعی

ریشه های مشترک تبعیض علیه زنان

کار بردگی زنان در فانه

در صف کارگران افراجی؛ چرا همیشه ترمیما زنان؟

کارگران زن در ایام بهمان و در ایام رونق سرمایه

تبعیض علیه زنان، مق السکوت به مردان!

کارگران باید بدانند ...

مساله زنان مساله کارگران است

آپارتاید جنسی علیه زنان

تبعیض میان زن و مرد در جمهوری اسلامی هر روز بیش از پیش چهره کریه خود را به نمایش می‌گذارد. عدم تساوی حقوق زنان با مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی به نحوی باور نکردنی هر روز تشدید می‌شود. تابلوهایی که بر در دیوار مغازه ها، بانک ها و ادارات دولتی، مدارس، و حتی وسایل نقلیه عمومی پی‌درپی نصب میشود انسان را بیاد تبعیض نژادی آفریقای جنوبی و سیاست آپارتاید می‌اندازد. آنجا تابلوهای "مخصوص سیاهان"، "ورود سیاهپوستان ممنوع"، "ویژه سفیدپوستان" و ... اینجا "ورود زنان بی حجاب ممنوع"، "مخصوص خواهران"، "مخصوص برادران"! و امثالهم چشم و وجدان انسان را می‌آزارد.

زنان و حجاب

در عمل وضع زنان بسیار دشوار تر از آن است که از تابلوها و نشریات و نطق های دولتمردان می‌توان دریافت. عملاً هیچ امنیتی برای یک زن در سطح شهر وجود ندارد. هیچ استبعادی ندارد که ناگاه چندین جوان مسلمان دست زن بی حجابی را در روز روشن بگیرند و بدون اتومبیل بکشند و او را در خفا به مجازات تخلف از قوانین "الهی" آنچنان که خود می‌خواهند محکوم کنند...

استبعادی ندارد چرا که بارها و بارها این اتفاق افتاده است و دستگاه‌های انتظامی آن را به حساب خروش انقلابی اسلامی گذاشته اند! در شهرستان ها همان جوانان حزب الله در اتومبیل بلندگودار در شهر پرسه می‌زنند و زنان عابر بی حجاب را با تحکم و ناسزا به رعایت حجاب اسلامی فرمان میدهند. در مدارس دخترانه با دانش آموزان آنچنان رفتار می‌شود که گویی نفس به مدرسه رفتن آنها گناه بوده است. آنان باید به هزار و یک بهانه واهی، به خاطر خندیدنشان، نشست و برخاستنشان، دویدن و ورزش کردنشان، بلند حرف زدنشان و چون و چرا کردنشان و در اصل به خاطر همان گناه اصلی شان کیفر ببینند، تنبیه شوند و مورد تمسخر قرار بگیرند. نه در مدارس بلکه در هیچ جای دیگر صحبت از ورزش دختران و زنان و استفاده آنان از امکانات ورزشی در میان نیست.

رسماً ورود زنان بی حجاب به بسیاری از اماکن عمومی ممنوع شده است و در واقع زنان بی حجاب استفاده از بسیاری از امکانات محروم گشته اند. زنان بازنشسته دیگر نمیتواند حقوق بازنشستگی خود را دریافت کنند مگر با کارت ارائه کارت شناسایی که عکس آن با حجاب باشد! تامین شغلی زنان کارگر و کارمند به خاطر سر فرود نیآوردن به این تبعیضات به خطر افتاده است و عملاً بسیاری از زنان بخاطر ایستادگیشان برای دفاع از حقوق مسلمشان کار و محل درآمد زندگی شان را از دست دادند و اگر از مابقی آن را بپرسید خواهند گفت که ای کاش قضیه تنها به پذیرش حجاب اجباری ختم میشد.

تحقیر زنان و توهین به آنان به صورت پدیده عادی و روزمره درآمد است که گاه تحملش غیرممکن می‌شود. حقوق زن به عنوان یک انسان هر روز بیش از پیش از دست می‌رود و اهمیت نقش اجتماعی زن هر روز کم رنگتر می‌شود... دیگر زنان بدون اجازه مردان بسیاری از کارها را نمی‌توانند انجام دهند. ازدواج یک زن بالغ بدون اجازه پدرش دیگر رسمیت ندارد و در دفاتر رسمی ثبت نمی‌شود. در ادارات مکتبی شده دولتی به کرات می‌شنویم که مسئولین در پاسخ به ارباب رجوع زن می‌گویند: "شما بروید به آقایان بگوئید تشریف بیاورند!" ... و بلاخره چندی پیش در روزنامه‌ها خواندیم که زنی را بجرم ترک خانه بدون اجازه و اطلاع شوهر در دادگاه شرع مجرم شناخته و محکوم کرده اند!...

این تضییقات عمومی علیه زنان در سطح جامعه، بدرون خانواده هم کشیده شده است. عدم حمایت قانون و اجتماعی از زن، مردان متعصب و برتری طلب را در خانه جری تر کرده است و موقعیت زنان و دختران در خانواده را به به مقام پست تری از آنچه سنتا موجود بود تنزل داده است. زندگی بسیاری از دختران و زنان از شر برادران و پدران زورگوشان سیاه شده است و دیگر گویی راه چاره دیگری جز خودکشی و فرار از این زندگی نکبت بار برای بعضی از آنان باقی نمانده است.

قوانین مصوب نهادهای جمهوری اسلامی اعم از قانون اساسی و یا مصوبات مجلس شورا تا قوانین کارگاه‌ها و موسسات دولتی و دادگاه‌های شرع همگی به فرو دست بودن زنان در نظام گواهند. پیشروی نمایندگان مسلمان مجلس اسلامی در سلب حقوق زن بحدی بوده است که سر و صدای همان یک دو تن زن نماینده حاضر در مجلس که خود جیره خوار و مجیزگوی این نظام

هستند، بدر آمده است. خلاصه اینکه جمهوری اسلامی با همه پروهایش، چه در دولت، چه در مجلس، چه در دادگستری و چه در خیابان از طریق حزب الله و مامورین اداره منکرات و چه در کارخانه ها و مدارس و ادارات به توسط انجمن های اسلامی سعی دارد همان حقوق و آزادیهای نیم بند زنان را از آنان بازستاند و آنان را به پذیرش بیحقوقی کامل و تبعیض جنسی تحت موازین اسلامی مجبور نماید.

اسلام و بی حقوقی زنان

زن در اسلام مقامی آشکارا پست تر از مرد دارد. بسیاری از حقوق خاص مردان است و زنان از آن محرومند. "مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است بواسطه آنکه مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید و اگر مطیع نشوند از خوابگاه آنها دوری گزینید، باز اگر مطیع نشوند آنها را به زدن تنبیه کنید. چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید و همانا خدا بزرگوار و عظیم الشان است" (آیه 33 از سوره النساء، ترجمه مهدی الهی قمشه ای)

آری مردان در اسلام اشکارا بر زنان برتری داده شده اند. زنان در واقع بردگان مردانند باید مطیع آنان باشند. در خانواده مردان حکم میرانند و به آنان توصیه شده است که برای به اطاعت درآوردن زنانشان آنها را کتک بزنند. زن جزو مایملک مرد است آنرا به مهر میخرند و میفروشند. دختر خانواده از آن پدر و زن از آن شوهر است. زن نه انسان بلکه تنها مادر بچه های مرد است. مادر نه به معنای قرن بیستمی آن، مادر یعنی زاینده، یعنی شیر دهنده و تربیت کننده بچه ها. او بازا هر کدام از این وظایف میتواند مزد مطالبه کند چرا که او این خدمات را نه برای فرزندان خود بلکه برای مرد انجام میدهد. زن حقی نسبت به فرزندان ندارد، مگر اینکه مردی در خاندان نمانده باشد. زن بدون شوهر حق کار کردن و حتی حق از خانه خارج شدن ندارد. زن عملا حق جدا شدن ندارد و در عوض مرد میتواند زنش را بی هیچ دلیلی، حتی غیابا طلاق دهد. قاضی مرد است، رئیس خانواده مرد است و حتی ضامین بکار برده شده در قران برای خدا نشان میدهد که خدا هم مرد است.

زن نصف مرد ارث میبرد. شهادت زن معمولاً اعتبار ندارد و اگر داشته باشد باندازه نصف یک مرد است. حقوق اجتماعی زن در اسلام بیشتر به حقوق سفیهان و محجوران و صغیران شبیه است تا به حقوق مردان. مردان در داشتن رابطه با زنان متعدد کاملاً آزادند و مذهب برای آنان راه های گوناگون در نظر گرفته است که نیازی به قدم برداشتن به سوی "گناه" نداشته باشند اما در مقابل زنان عملاً محروم از حتی انتخاب یگانه شوهر خویش اند. در قوانین جزای اسلام درباره زنا، فرودستی زن و تملک مرد به خوبی عیان است. زناکاری در اسلام به شدت مورد مذمت قرار گرفته است و برای آن کیفری هولناک و وحشیانه تعیین شده است. اما همه مذمومیت عمل زنا به این خاطر است که به حقوق صاحبان زن یعنی پدر یا شوهر زن تجاوز میشود. به همین خاطر است که قبول صاحبان زن یعنی شاکیان خصوصی می تواند کیفر را به حداقل تقلیل دهد و اراده و عزم آنان در تنبیه زن و مرد زناکار، بی هیچ دادگاهی باجرا دربیاید، و وای به حال زنی که در جامعه اسلامی صاحبی نداشته باشد.

در بهشت به مردان حوریان و زنان بسیار وعده داده شده است. آخر زن در اسلام اسباب تلذذ مرد است. پس اگر زن متعلق به مرد معین است، باید در خانه او بماند، به او صدایش را کسی نشنود، رخسار را مرد دیگری نبیند، با کسی معاشرت نکند، ... چه اینها همه از حقوق انحصاری مرد است. و اگر بخواهد از خانه خارج شود و در اجتماع ظاهر شود باید سر تا پایش را بپوشاند، حرف نزند، به کسی کاری نداشته باشد و فوراً به خانه برگردد! چرا که اسلام نقد دست مردان را در تجاوز به حقوق زنان باز گذاشته است که تنها راه محفوظ ماندن آنان برای شوهرانشان دور نگذاشتن از دسترس مردان دیگر است و بس! آری زن کنیز مرد است و جایش در خانه مرد نه در مصادر امور جامعه.

اسلام واقعی و غیر واقعی

اگر دقت کنید در می یابید که آنچه در جمهوری اسلامی تاکنون در مورد انجام گرفته عین فرامین اسلام بوده است. فحاشی های حزب الله به زنان و شعارهای نظیر "یا روسری تا تو سری" عین مکتب است، اسلام همان چیزی را از زنان می خواهد که اوپاش حزب اللهی تاکنون خواسته اند. اسلام واقعی چیزی جز این نیست. اسلام مجاهدین خلق براستی التقاطی است. زن در اسلام واقعی موجودی خانه نشین است و جزء دارایی مرد خانه!

اما سوالی مطرح است و آن اینست که چرا جمهوری اسلامی سرسختانه میکوشد قوانین اسلام

درباره زنان را تمام و کمال به اجرا در آورد؟ چرا جمهوری اسلامی بیش از آنکه در استرداد اموال شاه بکوشد در امر به خانه فرستادن زنان تلاش می‌کند؟ چرا با اینهمه اختیاراتی که ولی فقیه به عنوان یک مجتهد دارد، در امور مربوط به زنان انعطافی بخرج نمیدهد و از همه دگم های اسلام همین یکی را سرسختانه چسبیده اند و رها نمیکنند؟ اسلام میگوید خمس و زکات (مالیات) به جو و گندم و مویز و خرما و شتر و ... چند چیز دیگر تعلق میگیرد. اما اسلام مدرن! انعطاف بخرج داده و بهمان هشت قلم نچسبیده و امروز از گازوئیل و شکر و ماکارونی و موتور هم مالیات میگیرد... اسلام ربا را موکدا حرام کرده است، اما اسلام مدرن به آن نام کارمزد داده و آنرا همچنان به رسمیت می‌شناسد... اگر این کارها ممکن است پس چرا جمهوری اسلامی این انعطاف را درباره زنان بخرج نمیدهد و با حملات پی در پی خود به زنان اینچنین برای خود دشمن تراشی میکند؟ این قطعا یک لجبازی کینه توزانه نسبت به زنان نیست... پس راستی چه دلیلی در کار است؟

ریشه های مشترک تبعیض علیه زنان

واضح است که جمهوری اسلامی قصد ندارد که از طریق اعمال فشار بر زنان، بسته بندی کردن آنان و بخانه فرستادنشان، آنها را بزور به بهشت بفرستد و کسری حوریان بهشتی را در آن دنیا تامین کند. به خانه فرستادن زنان و وادار ساختن زنان به اطاعت قوانین اسلامی در شرایط حاضر اقدامی در جهت پاسخگویی به یک نیاز واقعی بورژوازی است و تلاش پیگیر و سرسختانه جمهوری اسلامی در این زمینه، بهمین خاطر است. مذهب بار دیگر بعیان خدمتگزاری خود را به طبقه حاکم به نمایش گذاشته است.

واقعیت اینست که سرمایه داری در سراسر جهان در بحرانی عمیق دست و پا میزد. یکی از عوارض مهم بحرانهای سرمایه داری این است که تولید و فعالیت در بخش بزرگی از اقتصاد تا رسیدن مجدد شرایط سودآوری برای سرمایه متوقف و تعطیل میشود و بناچار باید بخشی عظیمی از کارگران و زحمتکشان و بطور کلی مزدبگیران از صحنه کار و تولید بیرون رانده شوند. معیشت مزدبگیران باید قربانی منافع سرمایه شود. بنابراین بیکاری و اخراج های پی در پی به یک پدیده عادی بدل میشود. این نه فقط در ایران بلکه امروز در سراسر جهان بخوبی مشهود است.

اما از کار بیرون راندن مزد بگیران، یعنی تحمیل گرسنگی و فقر به بخش متنابهی از افراد جامعه و نهایتاً ه پایین راندن سطح معیشت کارگران و زحمتکشان، خود مستلزم رویارویی و مبارزه با آنان است. در این میان زنان اولین هدف حمله بورژوازی هستند. به عبارت دیگر اگر قرار باشد عده ای از کارگران و زحمتکشان از کار بیرون رانده شوند، بورژوازی همیشه ترجیح می‌دهد که این عده زنان باشند. چرا؟

در صف کارگران اخراجی؛

چرا همیشه ترجیحا زنان؟

اولا به این دلیل که بیکار شدن زنان بجای مردان، منفعت اقتصادی بیشتری را برای بورژوازی در بر دارد. زیرا بورژوازی از طریق محروم کردن زنان از داشتن شغل و اشتغال به کار مزدی در واقع آنان را به بیکاران تبدیل نمیکند بلکه طولانی تر شدن کار بی اجر و مزد و برده وار آنها را باعث می شود. کاری که حاصل آن در نهایت نصیب سرمایه خواهد شد.

در جامعه سرمایه داری هیچ کس زن خانه دار را بیکار به حساب نمی آورند، چرا که زنان در خانه بیکار نیستند. شاید بتوان گفت کاری که عرفا در خانه به آنها تحمیل شده است طاقت فرساتر از تصدی بسیاری از مشاغل رسمی است. بخش اعظم زنان را زنان کارگر و زحمتکش تشکیل میدهند و بخش اعظم کار آنها صرف نگهداری از شوهر و فرزندان، یعنی آماده به کار کردن کارگران امروز و فردا می شود. زن خانه همیشه غذا تهیه می کنند اما شوهر و فرزندان کارگر خود را همیشه گرسنه در خانه می بیند. او همیشه لباس می دوزد و میبافد و وصله میکند اما همیشه افراد خانواده را مندرس و ژنده میبیند. دائما رخت و لباس میشوید اما لباسها همیشه کثیف و روغنی اند، دائما نان آوران و افراد خانه را تیمار و نگهداری میکند اما همیشه آنها در خانه خسته و بی رمق و بیمار و نحیفند. هر روز به خرید میرود اما هر شب سفره خالی است... او هر روز هر روز این کارها و دهها کارهای دیگر را تکرار می‌کند اما گویی که این کارها پایان و حاصلی ندارد. آیا او آب در هاون میکوبد؟ خیر! ثمر کار خسته کننده و ملال آور هر روز او توان و نیروی شوهر و فرزند زحمتکش او میشود که هر روز بهنگام کار تحویل سرمایه دار می گردد.

کار مجانی زنان در خانه

سرمایه دار در واقع هزینه زنده ماندن کارگر را می‌پردازد و در عوض محصول کار کردن او را متصرف می‌شود. این منشاء سود سرمایه دار است. اما زنده ماندن کارگر خود مستلزم این است که کارگر کالاها و خدماتی را دریافت دارد. سرمایه دار مزد کارگر یا در اصل قیمت این کالاها و خدمات ضروری را به نرخ بازار به کارگر پرداخت نمی‌کند، بلکه در عمل قیمت مواد اولیه آنها را می‌پردازد و بنا بر این می‌گذارد که زن یا خواهر و یا مادر او در خانه این مواد را برای مصرف کارگر آماده خواهد کرد... کارگر به غذا، به پوشاک، به نگهداری و گرم نگه داشتن خانه و رسیدگی به فرزندان و ... نیاز دارد اما کارفرما عملاً قیمت غذا، قیمت در رستوران، قیمت پوشاک در فروشگاه، قیمت مسکن در مسافرخانه و هتل و قیمت اجیر کردن پرستار کودکان و غیره را نمی‌پردازد. تبدیل نخود و لوبیا به آبگوشت، پارچه و پشم به لباس، و تبدیل چهار دیواری به یک مامن و نگهداری فرزندان و ... همه کارهایی است که زن خانواده باید انجام دهد! انجام شدن همه این کارها لازم و ضروری است اما در این میان برای زن مزدی در کار نیست.

زن همه این کارها را باید همچون برده ای بدون اجر و مزد و پاداش به رایگان برای اربابان ناشناخته انجام میدهد.

مزدی که به کارگران پرداخت می‌شود خرج زندگی شخصی او نیست بلکه خرج زندگی خانواده های کارگری است، خانواده ای که همچون سایر خانواده ها، کار کردن رایگان و برده وار شبانه روزی زن در آن از پیش مفروض است. به همین خاطر است که نظام سرمایه داری، نظام موجود خانواده را تا آنجا که بتواند حفظ می‌کند و مرد را برای حفظ بردگی زن در خدمت سرمایه برتری میدهد.

کارگران زن در ایام بحران و در ایام رونق

در دوره رونق سرمایه داری، سرمایه داران در ایران با کمبود نیروی کار مواجه شدند. سیل کارگر از فیلیپین، کره، پاکستان، افغانستان و شیخ نشینها به طرف ایران سرازیر شد. علاوه بر این برای بیرون کشیدن زنان از خانه ها استفاده هر چه بیشتر از نیروی کارشان لازم شد انجام برخی از خدمات آنان در بیرون خانه سازمان داده شود. آشپزخانه ها در کارگاه و کارخانه ها به راه افتادند، رستوران ها در کارخانه های بزرگ شروع به کار کردند، مهد کودک ها و کودکستان ها در جوار کارخانه ها تاسیس شد... تا زنان با دغدغه کمتری به بازار کار رو

بیاورند ... اما امروزه کسادی و رکود اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته است و تنها در ایران ۴ میلیون بیکار وجود دارد، لازم است همان روند معکوس شود. منطق سرمایه حکم می‌کند که زنان به خانه برگردند! مهد کودک ها و کودکان ها تعطیل شوند، آشپزخانه و رستوران ها برچیده شوند و وظایف آن به زنان در خانه ها محول شود، و سرمایه هایی که به این کار اختصاص داده شده بود در خدمت نجات نظام سرمایه داری از ورشکستگی درآیند.

بنابراین همانطور که گفتیم از کار راندن زنان کارگر و زحمتکش برای بورژوازی به معنای بی کار کردن آنها نیست بلکه طولانی تر کردن کار بی اجر و مزد آنان است، و از جانب دیگر بستن مهد کودک ها، شیرخوارگاه ها، کودکان ها، آشپزخانه و رستوران ها در محیط های کار گامی است در جهت تشدید کار این بردگان بی اجر و مزد! اینهاست آن منافع اقتصادی که حمله به زنان را در مقایسه با مردان برای بورژوازی مطلوب تر میکند.

در آمریکا هم دولت ریگان اقدام به تعطیلی مهدکودک ها رستوران ها و شیرخوارگاه ها و ... در محیط های کار کرده است. اما در آنجا سر صدای همگان به این خاطر که این اقدامات گامی در جهت تنزل سطح معیشت کارگران و زحمتکشان است در آمده است. برآستی مژه برای طبقات حاکم موهبتی بزرگ است، چه چیز دیگری میتواند ماهیت اقدامات جمهوری اسلامی بر علیه کارگر و زحمتکش را این چنین رنگ و لعاب زند و از دیده ها مخفی دارد؟

ثانیا به این دلیل که حمله به زنان آسانتر است و صرف نیروی کمتری را ایجاب می کند.

تبعیض علیه زنان حق السکوت به مردان!

گفتیم که محروم ساختن کارگران و زحمتکشان از سر معاششان خود مستلزم مبارزه با آنان است، و گفتیم که نظام سرمایه داری مرد را در خدمت سرمایه برتری میدهد. بنا براین بورژوازی حمله به کارگران و زحمتکشان را با حمله به زنان آغاز می‌کند چرا که می‌تواند از تمایلات و گرایش‌های برتری طلبانه بخشی از آنان در خدمت پیشبرد اهدافش بخوبی استفاده کند. در واقع بورژوازی با هدف قرار دادن زنان به منافع کل کارگران زحمتکشان حمله می‌کند اما در عین حال بخشی از همان کارگران و زحمتکشان را به همدستان خود بدل می‌کند تا عملاً بر ضد منافع خودشان وارد عمل شوند، یا حداقل بر ضد بورژوازی وارد عمل نشوند. آن برتری و امتیازی که سرمایه‌داری به خاطر حفظ منافع سرمایه به مردان اعطا کرده است عاملی میشود که با اتکا به

آن کارگران مرد را رو در روی زنان کارگر قرار دهد و یا لاقط حق السکوتی میشود که کارگران مرد را وادار به سکوت در مقابل یورش به زنان می نماید. تبلیغاتی که بر ضد زنان و در جهت تحقیر آنان و اثبات (!) برتری مرد صورت می گیرد در واقع تحریک بیشتر مردان به استفاده از امتیازات اعطایی شان در خدمت منافع سرمایه است. تبلیغ برتری مرد و فرودستی زن تبلیغی است در خدمت شکاف انداختن در صفوف کارگرانی که باید همه شان برای رهایی از کلیه مصائب این نظام متحد شوند. مشابه چنین سیاست های تفرقه افکنانه را در موارد دیگری هم مشاهده میکنیم. همگان بخاطر دارید که جمهوری اسلامی برای تقلیل فشار مبارزاتی کارگران بیکار سعی کرده است کارگران ایرانی را بجان کارگران خارجی بیاندازد و آنها را عامل بیکاری معرفی کند. جمهوری اسلامی سعی داشت که جزیی از طبقه کارگر جهانی را، یعنی جزیی از لشکر دشمنانش را با اتکا به نیروی بخش دیگری از همان کارگران به موقعیت پست تر نزول دهد. این تنها مختص به جمهوری اسلامی نیست. تمام دولت های مدافع سرمایه از تعصب، جهل و تحمیق توده ها در خدمت منافع خود بهره میگیرند. هم اکنون در انگلستان سرمایه داران سعی دارند کارگران انگلیسی را علیه کارگران آسیایی (هندی ها، پاکستانی ها و ...) بسیج کنند. در آمریکا سرمایه داران سعی دارند کارگران سفید پوست را با اتکاء به برتری هایی که به سفید پوستان اعطا شده است بر علیه کارگران سیاه پوست تحریک کنند. در آلمان دولت سعی دارد ارگران آلمانی را بر علیه کارگران ترک به حرکت در آورد ... ما میگوئیم "کارگران جهان متحد شوید!"

در سراسر جهان بورژوازی سعی دارد در میان کارگران تفرقه بیاندازد. این تنها مختص به جمهوری اسلامی نیست. ویژگی جمهوری اسلامی اینست که که فرامین سرمایه داران را فرامین الهی مینامد تا کسانی را که از دشمنی با خدا میهراسند از صحنه مبارزه بیرون رانده شوند.

بنابراین هر کارگر مردی که که تبعیض علیه زنان را بپذیرد و از امتیازاتی که نظام سرمایه داری به خاطر حفظ منافع سرمایه به او اعطا کرده است در خدمت انقیاد هر چه بیشتر زنان و تحمیل موقعیت پست تر به آنان استفاده کند به نفع بورژوازی و بر ضد منافع کل طبقه کارگر کارگران عمل می کند. هر اندازه هم که خود او در شورا و سندیکا و سازمان کمونیستی اش بر علیه سرمایه داری بجنگد و شعار دهد و مبارزه کند تغییری در این واقعیت نمیدهد که او در جبهه ای دیگر همدست بورژوازی است. همانطور که کارگران سفید پوست و نژاد پرست چنین اند.

کارگران باید بدانند...

کارگران باید بدانند که مسئله زنان مسئله آنان است. کارگر باید بداند که بردگی زن در خانه و در اجتماع، بردگی طبقه را تشدید خواهد کرد و تداوم خواهد بخشید. کارگران باید بدانند که حمله به حقوق مسلم زنان و اعمال تبعیض علیه زنان حمله مستقیم به طبقه کارگر است. کارگران باید بدانند که دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه تبعیض بر اساس جنسیت مستقیماً مبارزه ای در جهت تقویت ارتش پرولتاریا و لذا وظیفه همه آنها است. کارگران باید بدانند که تبلیغات اسلامی که بر علیه زنان صورت می‌گیرد تبلیغات ارتجاعی و در خدمت تامین منافع سرمایه و اقدامی در جهت سرکوب انقلاب است. کارگران، به ویژه کارگران مرد باید بدانند که نباید به هیچ وجه در دامی که دشمنان کارگران گسترده است بیافتند و به همدستان آنها در تحمیل محرومیت و بی حقوقی به زنان تبدیل شوند. کارگران مسلمان باید بدانند که کوشش آنها در جهت اجرای قوانین اسلام درباره زنان، کوششی مستقیم در جهت تحقق منافع سرمایه و مبارزه ای علیه منافع طبقه کارگر است. کارگران باید بدانند که کوشش کارگران مسلمان و متعصب در اجرای قوانین اسلامی، یعنی پیگیری آنان در مخالفت با منافع خودشان، بخاطر افیونی است که دشمنان ما بر علیه ما بکار می‌برند و بهمان جدیت که مردم سراسر جهان خواستار منع کاربرد سلاح های شیمیایی و میکروبی هستند ما باید خواستار جدایی دین از دولت باشیم.

پرولتاریای کمونیست خواستار تساوی کامل حقوق زنان و مردان است. پرولتاریای کمونیست خواهان رفع هر گونه تبعیض و ستم طبقاتی، ملی، مذهبی و جنسی است. پرولتاریای کمونیست پرچمدار پیگیرترین و کامل ترین دمکراسی است و کارگران باید همه اینرا بدانند.

